



بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن - 7 / اردیبهشت / 1396

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين.

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی حضار محترم، مخصوصاً به میهمانان عزیزی که از کشورهای مختلف اسلامی تشریف آوردند و شرکت کردند در این برنامه‌ی بزرگ قرآنی؛ بویژه اساتید، داوران، محققین قرآنی. و تشکر میکنم از مسئولان و دست‌اندرکارانی که این مراسم باشکوه را تشکیل دادند و به راه انداختند و به بهترین وجهی اداره کردند.

اولاً بدانید آنچه انجام دادید یک حسنه‌ی بزرگ است؛ امروز در سراسر دنیای اسلام، هرکاری برای قرآن، و در جهت فهم قرآن و اشاعه‌ی قرآن انجام بگیرد، یکی از بزرگ‌ترین حسناتی است که میشود تصور کرد؛ این کار شما یک حسنه بود. نیتها را خالص کنید برای خدا و دور از هواجس (۲) نفسانی و دور از انگیزه‌های گوناگون، تا ان شاء الله مورد قبول پروردگار قرار بگیرید و پیش خدای متعال مأجور باشید.

و این حرکت قرآنی در کشور ما بایستی ادامه پیدا کند؛ ما از قرآن دوریم؛ ما از قرآن بیگانه‌ایم؛ ما با مفاهیم قرآن ناآشنایم؛ باید کاری کنیم؛ آن قدر تلاش کنیم که مفاهیم قرآنی جزو مفاهیم رایج و گفتمانهای عمومی ملت‌های مسلمان و کشورهای ما قرار بگیرد. من در این مورد ان شاء الله در یک فرصتی صحبت خواهم کرد.

آنچه اینجا عرض میکنم [این است که] ما معارفی در قرآن داریم، مفاهیمی در قرآن داریم که این مفاهیم حقیقتاً سازنده‌ی زندگی مقتدرانه و عزتمندانه‌ی امت اسلامی است؛ حقیقتاً مایه‌ی نجات امت اسلامی از گرفتاری‌ها است؛ در قرآن این مفاهیم را داریم. برای اینکه این مفاهیم مورد عمل قرار بگیرد و تحقق پیدا کند، اول باید این مفاهیم را جزو بیانات افکار جامعه‌ی اسلامی قرار داد و کاری کرد که برای جامعه‌ی اسلامی این مفاهیم قطعی و روشن بشود که هیچ چیزی جلوی آن را نتواند بگیرد. ما در این مرحله هنوز گرفتاریم، ما در این مرحله هنوز مشکل داریم؛ باید کاری بکنیم که این مفاهیم در جامعه‌ی اسلامی تبدیل بشود به مسلمات فکری، به رایج‌ترین افکار مشترک بین همه‌ی قشرهای مردم؛ این کاری است که باید در زمینه‌ی قرآن انجام بگیرد. این جلسات و این نشست‌ها و این تلاوتها و این حفظ‌ها - که همه‌ی اینها لازم و حسنه است - مقدمه‌ی آن فهم عمومی و درک عمومی است.

حالا من یکی از این مفاهیم را من باب نمونه عرض بکنم. فرمود: *فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لِأَنَّفِصَامَ لَهَا*؛ این یک معرفتی است، این یک اصل است؛ کفر به طاغوت و ایمان به خدا. یعنی ما همه‌ی عالم وجود را تقسیم میکنیم به دو قسمت: یک قسمت منطقه‌ی نفوذ طاغوت است، باید به آن کفر ورزید؛ یک قسمت منطقه‌ی نفوذ الله است، باید به او ایمان آورد، باید او را باور کرد؛ هویت ایمانی در مقابل هویت کفر. این به معنای این نیست که ما دائم بایستی با هر کسی که در هویت کفر است بجنگیم؛ این معنایش مقاتله نیست؛ این معنایش عدم ارتباط هم نیست؛ این معنایش [عدم] تبادل معلومات هم نیست؛ این معنایش استقلال هویت ایمانی و مرزبندی هویت ایمانی است تا [انسان] بتواند در مقابل هویت طاغوت و هویت کفر، خودش را حفظ کند، نگه دارد، تکمیل کند، رو به پیشرفت حرکت کند.



امروز گرفتاری امت اسلامی در چیست؟ در تسلط فرهنگ غربی بر او است، در تسلط اقتصاد غربی بر او است، در تسلط سیاست غربی بر او است؛ گرفتاری‌ها اینها است. امروز در بسیاری از کشورهای اسلامی چیزی به نام هویت اسلامی وجود ندارد؛ بله، مردم مسلمانند، نماز هم میخوانند، روزه هم میگیرند، شاید زکات هم میدهند اما مجموعه‌ی جامعه، هویت اسلامی ندارد؛ یعنی یک شخصیتی، یک حقیقتی قرار گرفته‌ی در مقابل حقیقت کفر و حقیقت طاغوت وجود ندارد. لذا شما می‌بینید آنها دخالت میکنند؛ در فرهنگ اینها دخالت میکنند، در باورهایشان دخالت میکنند، در اقتصادشان دخالت میکنند، در روابط اجتماعی‌شان دخالت میکنند، سیاستهایشان را در مشت میگیرند. آن وقت نتیجه این میشود که چون درون مجتمع اسلامی و امت اسلامی هویت واحدی وجود ندارد، دعوا به وجود می‌آید، جنگ به وجود می‌آید، تنافر به وجود می‌آید، عدم تفاهم به وجود می‌آید؛ این [جوری] میشود. امروز دنیای کفر درصد مضمحل کردن و نابود کردن این هویت است؛ هرچه از این هویت در هر نقطه‌ای از دنیا باقی مانده، این را میخواهند از بین ببرند. این یک اصل اسلامی است؛ *فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لِأَنَّفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ*؛ (۳) این یک حقیقت است. این حقیقت را اگرچنانچه ما درست بفهمیم، آن را دنبال کنیم، آن را به صورت یک فهم عمومی در جامعه‌ی اسلامی و امت اسلامی دریاوریم، شما ببینید چه تحولی اتفاق می‌افتد! شما ببینید همین یک حقیقت، که صدها حقایق از این قبیل در قرآن وجود دارد، چه تحولی در دنیای اسلام به وجود می‌آورد! اگر همین یک امر را، همین یک معرفت را درست بفهمیم و باور کنیم و گسترش بدهیم، ببینید چه اتفاقی می‌افتد!

قرآن را باید فهمید؛ ما دوریم از قرآن. از این دوری ما از قرآن، دشمن دارد استفاده میکند. دشمن روزه‌روز در ما بی‌ایمانی را تزریق میکند، لابلای گری را تزریق میکند، وابستگی به خود را تزریق میکند. نگاه کنید به دولتهای اسلامی، نگاه کنید به کشورهای اسلامی، ببینید در مقابل آمریکا، در مقابل صهیونیسم، در مقابل دشمن، در مقابل غارتگران چه وضعی دارند! این ناشی از دوری از قرآن است. ما اگر به قرآن نزدیک بشویم، همه‌ی این حفره‌ها پر خواهد شد؛ همه‌ی این خلل و قرح بسته خواهد شد؛ هویت اسلامی در مقابل هویت کفر خودش را نشان خواهد داد. معنای اینکه ما میگوییم [اگر] به قرآن عمل کنیم، زندگی درست خواهد شد، این است. معارف قرآنی وجود دارد، این معارف باید تبدیل بشود به گفتمانهای عمومی در بین مردم؛ آن قدر تکرار بشود، آن قدر کار بشود، آن قدر درباره‌اش تحقیق بشود، آن قدر بنویسند، آن قدر شعرا و ادبا و هنرمندان درباره‌ی آن کار هنری بکنند که اینها بشود جزو واضحات و بیّنات جامعه‌ی اسلامی؛ البته این نشدنی نیست، دور از دسترس هم نیست، خیال نکنند که حالا این کارها را اگر بخواهیم بکنیم، صد سال طول میکشد؛ نه، اگر اهل دل و اهل دین همّت بکنند، این کارها خیلی زود تحقق پیدا میکند؛ باید این جور دنبال قرآن رفت.

بحمدالله در جمهوری اسلامی توفیقات ما در تقرب به قرآن کم نبود؛ ما از قرآن خیلی دور بودیم؛ در دوران حکومت طاغوت در این کشور قرآن بکلی مهجور بود؛ در مدارس ما -مدارس کودکان، مدارس بزرگسالان، دبیرستانها، دانشگاه‌ها- از قرآن هیچ خبری نبود؛ در جامعه‌ی ما از قرآن خبری نبود. جلسات قرآنی‌ای وجود داشت [اما] مهجور بود؛ نمونه‌هایش را در تهران، در مشهد، در جاهای دیگر، بعضی‌ها را از نزدیک دیده بودیم، بعضی‌ها را هم شنیده بودیم؛ یک عده‌ای می‌آمدند، یک قرآنی تلاوت میشد و تمام میشد میرفت. حفظ قرآن، انس با قرآن، تلاوت دائمی قرآن، نشر معارف قرآن، این چیزها خیلی کم وجود داشت. انقلاب ما را به قرآن نزدیک کرد، با قرآن آشنا کرد. امروز ما مفتخریم به اینکه علاقه‌مند به قرآنیم، مشتاق به قرآنیم، مفتخریم که جوانهای ما علاقه‌مند به قرآنند. امروز



هرجایی در این کشور، در هریک از شهرها، یک جلسه‌ی قرآنی اعلام بشود، هجوم جوانها به آن جلسه فراوان خواهد بود. می‌بینید جلسات قرآن را؛ در همه‌ی شهرها، در همه‌ی محافل، می‌روند هجوم می‌آورند، می‌شنوند، می‌نشینند؛ اینها چیزهایی است که به برکت انقلاب رخ داده است، به برکت اسلام رخ داده است.

کسانی که علاقه‌مند به قرآنید و متولی امور قرآنید، این رشته را رها نکنید، این کار را به‌طور جدی دنبال کنید؛ نگویید حالا به اینجا رسیدیم، خب دیگر تمام شد؛ نه، کار درباره‌ی قرآن، کار برای قرآن تمام‌شدنی نیست؛ خیلی باید تلاش کنیم، خیلی باید کار کنیم؛ همه تلاش کنند، همه کار کنند؛ با قرآن انس بگیریم. همه‌ی خانواده‌های ما، جوانهای ما، مردم ما بایستی با قرآن مأنوس بشوند. این حفظ قرآن مایه‌ی انس با قرآن است، تکرار این جلسات مایه‌ی انس با قرآن است. این انس با قرآن منافع زیادی دارد، فواید زیادی دارد؛ همان آشنایی با آن معارف را ان‌شاءالله به ما خواهد داد.

امیدواریم خداوند متعال به شماها اجر بدهد و کسانی که در این راه در طول سالهای متمادی زحمت کشیده‌اند، خداوند آنها را مشمول لطف و رحمت خود قرار بدهد؛ بعضی از دنیا رفته‌اند، خداوند درجاتشان را عالی کند؛ آنهايي که هستند، خداوند ان‌شاءالله برای جامعه‌ی ما آنها را حفظ کند و نگه دارد؛ و خداوند امام بزرگوار ما را که گشاینده‌ی این راه بود، با اجداد طاهرینش محشور کند و ان‌شاءالله با اهل قرآن در قیامت محشور کند؛ ما را هم ان‌شاءالله از اهل قرآن قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(۱) این دیدار در پایان سی و چهارمین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی قرآن کریم که به مدت هشت روز در تهران برگزار شد، تشکیل شد.

(۲) آرزوها و خواهشها

(۳) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۵۶؛ «پس هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، بی‌یقین به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است؛ و خداوند شنوای دانا است.»